

از دوبنده تا سربند

روایتی از زندگی کشتی‌گیر شهید، انوشیروان رضایی

www.ketab.ir

محمدتقی عزیزیان

www.ketab.ir

سرشناسه : عزیزیان، محمدتقی، ۱۳۶۲- / عنوان و نام پدیدآور : از دوبنده تا سریند؛ روایتی از زندگی کشتی گیر شهید انوشیروان رضایی/ محمدتقی عزیزیان. / مشخصات نشر : قم : انتشارات شهید کاظمی، ۱۴۰۲. / مشخصات ظاهری : ۱۶۰ص. مصور، عکس؛ ۱۷۰اس.م. / شابک : ۳-۲۱۵-۲۸۵-۶۲۲-۹۷۸ / وضعیت فهرست نویسی : فیپا / / عنوان دیگر : . روایتی از زندگی کشتی گیر شهید انوشیروان رضایی / موضوع : رضایی، انوشیروان. ۱۳۳۲-۱۳۵۸ / موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۵ / ۲۱st century -- Persian fiction / جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- داستان / Iran-Iraq War، ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Fiction -- Martyrs / رده بندی کنگره : PIR۸۳۴۶ / رده بندی دیویی : ۸۴۳/۶۲ / شماره کتابشناسی ملی : ۹۰۱۹۰۸۱ / اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا /

از دوبنده تا سربند

روایتی از زندگی کشتی‌گیر شهید، انوشیروان رضایی

نویسنده: محمد تقی عزیزیان

نشر: شهید کاظمی

امور اجرایی: علیرضا دبیر

مصاحبه و تحقیق: محمد تقی عزیزیان، سپیده خانزاده

ویراستار: حسین صادقی فرد

مشاور ادبی: محمد قاسمی پور

گردآوری: معصومه جواهری

تهیه و تدوین: مرکز مستندنگاری فدراسیون کشتی ایران

مدیر هنری: الف. اکبرزاده

گرافیک و صفحه‌آرایی: استودیو یازده

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۵-۲۱۵-۳

چاپ: دوم، بهار ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ تومان





این کتاب، با احترام از طرف فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران
تقدیم می شود:

به خانواده معزز شهدا

و تمام مردم صبور و دلاور سرزمین عزیزمان ایران.

امید که دعای این شهدا والا مقام و شما مهربانان

بدرقه راه قهرمانان و پهلوانان عرصه کشتی باشد.

۹ مقدمه

۱۳ سودای سکو

۸۲ هم‌کلاس پرستوها

۳۳ از تختی تا چمران

۳۹ مسافری از کویک

۴۴ طلای فرنگی جوانان

۵۳ سفر بی بازگشت

۵۹ هوای بیروت

۶۶ یا ضامن آهو

۷۰ شهریه

۷۷ زمزمه‌های مقاومت

۹۲ جراحی سید

۹۷ عیادت

۱۰۱ مأموریت یک‌روزه

۱۰۴ هیلمن زرد

۱۱۳ خون و غبار

۱۱۸ گره‌کور

۱۲۵ خیمه در خرمشهر

۱۳۱ مسجد و آتش



با خواندن کتاب بود که برای اولین بار با اسم انوشیروان رضایی و نقش او در سرکوب مخالفان تجزیه طلب‌ها موسوم به «خلق عرب» آشنا شدم. قبل از آن در خرم‌آباد میدانی را دیده بودم به نام میدان «انوش». بارها از این میدان گذشته بودم، اما تابلو نداشت. نمی‌دانستم چرا به این نام مزین شده است. توفیق دست داد و با بچه‌های فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران، جناب آقای دکتر علیرضا دبیر و همکارانش سرکار خانم معصومه جواهری و سرکار خانم خانزاده، در زمینه ثبت و ضبط خاطرات و روایات مربوط به زندگی ورزشی و مبارزات انقلابی کشتی‌گیران شهید، همکاری داشتم. برای انتخاب سوژه، به بزرگان کشتی استان لرستان مراجعه کردم: سیدمحمدرضا قیاسیان، سیدیحیی میرشاک، مرتضی زمانی و دیگران. یکی از سوژه‌هایی که از اهمیت بالایی برخوردار بود و

بیشتر مشاوران پروژه روی اسم او تأکید داشتند، شهید والامقام «انوشیروان رضایی» بود.

انوشیروان رضایی علاوه بر فعالیت در زمینه ورزش باستانی و کشتی، در مسائل سیاسی و انقلابی از فعالان استان لرستان بود. باتوجه به سن و سال و شرایط زندگی شهید، کارهایی را انجام داده بود؛ از پخش اعلامیه گرفته تا ارتباط با سیدفخرالدین رحیمی و رفت و آمد به مسجد علوی خرم آباد و عضویت در سپاه و کمیته انقلاب اسلامی و در نهایت، مهم ترین نقش او در زمینه انقلاب اسلامی، فرماندهی نیروهای اعزامی لرستان به خرمشهر بود؛ اگرچه شهادت او در روزهای آغازین اعزامش رقم می خورد، اما آگاهی او در فرماندهی و ایجاد زمینه های مبارزه و جمع آوری سران خلق عرب، باعث می شود در روزی که مراسم ختم او را در مسجد جامع گرفته اند و انفجاری رخ داده است و تعدادی از مردم بی گناه و پاسداران به شهادت می رسند، نیروهای انقلابی دست به کار شوند و نفر اول تجزیه طلب ها را دستگیر کنند و تحویل مقامات امنیتی دهند و غائله در همان روزها ختم شود.

کار پژوهش کتاب را با دوستان شهید انوشیروان رضایی آغاز کردم. در این بین، تنها سید محمد رضا قیاسیان حاضر به همکاری شد، آن هم با شرایطی که خودشان تعیین کردند و ما پذیرفتیم. سید به خاطر یاری نکردن حافظه شان، امکان مصاحبه صوتی و شنیداری را نداشتند و ما از طریق مصاحبه نوشتاری با ایشان ارتباط برقرار کردیم. از اعضای خانواده، فقط مهراں رضایی برادر شهید با ما مصاحبه داشتند و دیگران به دلایل و شرایط خاصی

که در آن قرار گرفته بودند، امکان مصاحبه نداشتند.

اسناد شهید انوشیروان را از طریق همسر شهید، سرکار خانم «شهناز پیوستی» به دست آوردم که در این زمینه وظیفه دارم از همکاری دختر خانم پیوستی هم تشکر کنم. برای مصاحبه با عزیزانی که در جریان غائله در خوزستان فعالیت داشتند، به «مصطفی آشنا» و «میرولی ماسوری» رسیدم و سایر مصاحبه‌ها را از آرشیو شخصی یکی از دوستان جمع‌آوری کردم که و تمایل داشتند نامی از ایشان نبرم. این دست مصاحبه‌ها اغلب با رزمندگان خرمشهر و هم‌زمان شهید جهان‌آرا و شهید انوشیروان رضایی صورت گرفته بود.

قالب کتاب، روایت داستانی است که سعی دارد استناد کار را رعایت کند؛ اما در پرداختن به زنده کردن جزئیات، از منابع مختلفی کمک می‌گیرد. به همین منظور نگارنده از زاویه دید سوم شخص نوشته است.

در پایان، از همکاری همه عزیزان، اعم از خانواده معظم شهید، راویان، دوستان، هم‌زمان، و دیگر خوبانی که در مسیر کار دست ما را گرفتند و راهگشا بودند، کمال قدردانی را به عمل می‌آورم. امید که توانسته باشیم گامی هرچند کوچک در راستای ترویج فرهنگ پهلوانی، ایثار و گذشت و شهادت برداشته باشیم. خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و ما رستگار

محمدتقی عزیزیان

زمستان ۱۴۰۱، خرم‌آباد